



بسمه تعالی

# کج فہمی ہا می رایج

## در آموزش قرآن دورہ می ابتدایی

رضا نباتی

دانشجوی دکترای فلسفہ تعلیم و تربیت

کارشناس برنامه درسی قرآن دفتر تألیف کتب درسی

از مؤلفین کتاب های درسی قرآن وزارت آموزش و پرورش

« بیش از ۹۵ درصد از دانش آموزان این کشور، فقط در مدرسه با قرآن کریم آشنا می شوند. » این مطلب به تنهایی نشاندهنده جایگاه منحصر به فرد آموزش قرآن در وزارت آموزش و پرورش است. اما وجود متغیرهای مداخله گر آشکار و پنهان در تحقق اهداف قصد شده، نقش اساسی ایفا میکند. حاصل بررسی های نویسنده مقاله به عنوان مؤلف کتابهای درسی قرآن در طول ۱۵ سال گذشته « کج فهمی های رایج در آموزش قرآن » را از عمده دلایل کم توفیقی این درس میدانند؛ که اغلب آنها ریشه در باورهای غلط متولیان و برنامه ریزان از یک سو و معلمان و خانواده ها از سوی دیگر دارد.

از آنجا که اجزاء و عناصر یک برنامه درسی، مبانی آموزش آن درس را مشخص میکند، لذا شایسته است ابتدا به سراغ آنها رفت. البته گاهی قداست و جایگاه رفیع قرآن کریم نیز باعث میشود تا اذهان عمومی درمقابل هرگونه نقدی از خود ایستادگی نشان داده و بررسی اهداف، رویکرد، محتوا، روش های آموزش و تدریس و شیوه ارزشیابی را ناممکن جلوه دهد. عدم تغییر رویه های موجود آموزش قرآن در طول سالهای متمادی، نیز مزید بر علت است.

مبنای این پژوهش، بررسی وضعیت موجود بر اساس اسناد تحولی چهارگانه مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش و پرورش است.

یافته ها نشان میدهد که کج فهمی های موجود عمدتاً ریشه در چهار حوزه هدفگذاری، برنامه ریزی، اجرا و ارزشیابی دارد. راهکار اساسی، داشتن عزم ملی برای شناسایی و تلاش برای جلوگیری از تکرار اشتباهات و باورهای غلط گذشته و جایگزینی روش های معقول و علمی است.

### واژه های کلیدی

باور، کج فهمی، فرهنگ، برنامه درسی، برنامه ریزی آموزشی، آموزش قرآن، رویکرد، ارزشیابی، تربیت

قرآن کریم «تنها معجزه» به جا مانده از رسالت ۱۲۴ هزار پیامبر الهی است که امروز به امانت، نزد ماست و روز قیامت پیامبر اکرم از آن سؤال خواهد کرد.<sup>۲</sup> کتابی که صاحب آن، خداوند علیم و قدیر است. علیم یعنی عالم مطلق و قدیر یعنی قادر مطلق. خدایی که به واسطه آخرین پیامبرش با بشر سخن گفته است. سخنانی از روی دلسوزی و برای هدایت و راهنمایی انسان، نسخه نجات و رستگاری او در زندگی دنیا و پس از آن. پیروان آخرین پیامبر الهی این کتاب را تقدیس می کنند و آن را مایه برکت می دانند. مسلمانان با توجه به نوع پرداختن به قرآن به دو گروه عمده تقسیم می شوند:

**گروه اول**، صاحبان خرد و اندیشه هستند که در اثر علاقه و انس دائمی با قرآن کریم، برنامه زندگی فردی و اجتماعی خود را بر اساس آنچه در قرآن کریم آمده تنظیم می کنند و همواره در تلاشند تا از این مسیر راهی برای قرب الهی بیابند.

**گروه دوم**، کسانی که تنها به ذکر نام و قرائت ظاهری آن بسنده کرده اند. ایشان با توجه به همین مسأله، در راه تبلیغ و ترویج قرآن به هر روشی دست می یازند و اغلب با تکیه بر احساسات صرف و سطحی نگری دچار اشتباهات کوچک و بزرگی می شوند که جامعه را دچار انحراف و کج فهمی می کند. این موضوع در اثر دوری از تعقل و تفکر در قرآن کریم و شیوه های صحیح و معقول و قابل پذیرش همگان رخ داده و در مقابل گاه همراه با اغراق و غلو و خارج از تصور بشری ارائه می شود.

گاهی این کج فهمی ها، پا را فراتر از سلیقه و نظر شخصی گذاشته و تا آن جا که به عقیده فردی و اجتماعی تبدیل شود، پیش می روند. این دسته از باورها که چندان منطقی و معقول نبوده، نتیجه ای جز انحراف و استحاله را در پی ندارد. تا آنجا که بر علیه آن مکتب و عقیده قیام می کند. در این جاست که بر علمای قوم و فحول اندیشمندان واجب می شود تا برای آن چاره کنند و از لغزش عده ای کثیر در پرتگاه تعصب، جلوگیری کنند.

پس از مشخص شدن ضرورت و اهمیت موضوع، باید دید آیا امکان چنین تغییر و تحول فرهنگی در جامعه وجود دارد یا خیر؟ آیا به مصلحت حکومت ها و نظام های تربیتی هست که تن به اصلاحات فرهنگی بدهند و یا باید در مقابل آن نرمش نشان داده و سکوت کرد و یا آن را به اصطلاح مصادره به مطلوب نمود؟

از سوی دیگر مهم ترین خطری که یک نظام دینی را تهدید می کند «التقاط فرهنگی» است. این خطر در اثر استحاله فرهنگی رخ می دهد. یعنی آن که جامعه و افراد آن، صورت یک عقیده را حفظ کرده؛ اما در عمل بر خلاف آن اقدام می کنند. راهکار اساسی در تجدید نظر جدی در برخی از باورهای دینی است که یا بر علیه دین در حال فعالیت هستند و یا دست کم بی خاصیت و بی نتیجه اند و نیازمند مرمت و بازسازی مجدد. یکی از این حوزه ها، حوزه تربیت و یادگیری قرآن کریم است. آن هم در نظام تعلیم و تربیت با بیش از ۱۲ میلیون نفر دانش آموز که هر یک در طول سنوات تحصیلی بیش از ۸۰۰ ساعت رسماً با یادگیری کتاب خدا آن هم تنها در درس قرآن سر و کار دارند. از این میزان ساعت ۵۱۰ ساعت آموزشی به دوره ابتدایی اختصاص دارد.

بررسی باورهای و کج فهمی های رایج در آموزش قرآن دوره ابتدایی رسالت این مقاله است که هر چند به اجمال و فهرست وار اما مبتنی بر مبانی نظری و نیز وضعیت برنامه ریزی، اجرا و ارزش یابی صورت گرفته است.



## چارچوب نظری

تفکر انتقادی شناسایی استدلال های غلط و پرهیز از تناقضات و مفروضات اظهار شده و نشده در بحث های دیگران ، عدم هیجان عاطفی در هنگام روبرو شدن با مسئله یا عدم تعادل است (مایرز، ۱۳۸۶). امروزه صاحب نظران، تفکر انتقادی را به عنوان برون داد اصلی تعلیم و تربیت نوین معرفی می کنند و تدریس تفکر انتقادی را اصلی مهم برای یادگیری این تفکر وجود دارد. با توجه به اهمیت مسئله تفکر در اهداف نظام آموزشی و گفته های مسئولان ، متصدیان و مجریان آموزشی، در عمل تبیین واضح و روشنی از مفهوم تفکر انتقادی نشده است که علت اصلی آن را می توان در همین کج فهمی ها جستجو کرد که در نهایت دشواری های بزرگی را به وجود آورده و سبب گمراهی و به بیراهه کشیدن یادگیرندگان شده آنان را از اهداف مورد نظرشان دور خواهد کرد (حسینی، ۱۳۸۱).

اصولا کج فهمی نسبت به یک مفهوم زمانی رخ می دهد که شخص به مفهومی اعتقاد دارد که به طور معقول، نادرست است (بارنز، ۲۰۰۵). کج فهمی به تصورات قبلی، افکار و باورهای غیر علمی، مفاهیم درهم، یا سوء تعبیرهای مفهومی اشاره می کند و حالتی را نشان می دهد که در آن عقاید فرد با تفسیر علمی کاملا مغایر است. یک شخص ممکن است چندین تصور ذهنی از برخی پدیده ها داشته باشد بررسی ادبیات پژوهش نشان می دهد که در خصوص مفهوم تفکر انتقادی توافق کمی وجود دارد. نتایج پژوهش العزیز (۲۰۰۸) نشان داد که معلمان در کشور اردن با تعاریف و استراتژی های تدریس تفکر انتقادی آشنایی کمی دارند و در مورد مفهوم واقعی آن با شک و تردید روبرو می باشند پالمر (۲۰۰۷) در پژوهشی به این نتیجه دست یافت میان معلمانی که گرایش های تفکر انتقادی مثبت دارند و معلمانی که تفکر انتقادی ا به عنوان یک هدف یادگیری در نظر می گیرند و از بحث در کلاس استفاده می کنند رابطه مثبت وجود دارد نتایج پژوهش الدیگدر (۲۰۰۹) نشان داده است که معلمان نظرهای مثبت دارند و به تفکر انتقادی علاقمندند و در فرصت مناسب از روش های تفکر انتقادی در کلاس استفاده می کنند. اما از اجزا و عناصر تفکر انتقادی اطمینان ندارند.

## هدف تحقیق: بررسی کج فهمی های رایج در آموزش قرآن در دوره ابتدایی

**روش پژوهش:** روش مورد استفاده در این پژوهش، « روش کیفی » و از نوع موردی است.

## مبانی نظری

بیشتر اوقات مفهوم تفکر انتقادی معنای نقد کردن را به یاد شنونده می آورد که بعد منفی دارد و تاثیری ناخوشایند بر یک ایده یا عمل می گذارد. بنابراین اگر از واژه انتقادی در تفکر انتقادی فقط نقد کردن صرف استنباط شود مسلما به منزله نوعی ارزیابی غیر سازنده نگریسته می شود. در حالی که آن نگاهی تیزبینانه است و به معنای نقد کردن و نگاه گله مندانه و شکایت آمیز نیست. فرایندی تحلیلی است که می تواند به شما کمک کند تا در جریان یک مسئله شیوه ای مؤثر و سازماندهی شده قرار گیرید و درباره آن مشکل فکر کنید پس تفکر انتقادی بیش از نقد کردن و هر فعالیت ذهنی دیگری هدفمند است (شعبانی، ۱۳۸۲).

تفکر انتقادی با کج فهمی هایی در خصوص اعتقاد به یک روش واحد عدم توجه به جنبه رشد و توسعه تفکر انتقادی به عنوان هدف نهایی، عامل زمان، کج فهمی در هدف کل نگری، میزان تحصيلات، غفلت از واقعیت های غیر مرتبط و موارد دیگری روبرو می باشد. این کج فهمی ها در نهایت موجب سردرگمی می شوند و مجریان در صورتی که در خصوص مفهوم درست آن مطمئن نباشند در به کارگیری آن دچار مشکل خواهند بود (جیانکارلو، ۲۰۰۱).

به همین جهت لازم است که این آموزش به طور صحیح انجام پذیرد و ابهامات که برای مجریان امر در مورد مفهوم تفکر انتقادی وجود دارد برطرف گردیده و تلاش بر آن باشد که ذهن افراد نسبت به این مفهوم از دیدگاه درستی برخوردار باشد (سیف، ۱۳۸۷).



## تعاریف عملیاتی و واژه های کلیدی

بسیاری از واژه ها و اصطلاحاتی که در این پژوهش مورد تأکید هستند، تعاریف و کاربردهای متکثر و متفاوتی در این حوزه دارند. بنابراین برای هماهنگی و انسجام در ساختار تحقیق، لازم به باز تعریف هستند. از این رو در این تحقیق، اصطلاحات زیر با این تعاریف از سوی پژوهشگر مورد استفاده قرار گرفته است:

**باور:** فکر یا رفتاری است که در اثر تکرار، انسان به درستی آن اعتقاد داشته و آن را به عنوان یک حقیقت مسلم پذیرفته و قبول می کند و با این معیار همه چیز را مورد ارزیابی و سنجش قرار می دهد. به عبارت دیگر عمیق ترین رفتارها در سطح ناخودآگاه هر انسان

**کج فهمی:** فهم نادرست از یک واقعیت در اثر دخالت دادن پیش دانسته ها

**فرهنگ:** دربرگیرنده ی اعتقادات، ارزشها، اخلاق و رفتارهای متأثر از این سه، و همچنین آداب و رسوم و عرف یک جامعه معین تعریف می شود.

**برنامه ریزی آموزشی<sup>۱</sup>:** فرآیند تشخیص وضعیت موجود و مطلوب جامعه، تعیین اهداف نظام آموزشی، سیاستگذاری، تعیین شاخص ها و رویه ها و تخصیص منابع، امکانات، نیروها، بودجه و روش های تحقق آن از اهداف برنامه ریزی آموزشی می باشد. (ملکی ۱۳۷۵)

**برنامه درسی<sup>۲</sup>:** عبارت است از تعیین روشهای علمی برای تحقق هر یک از عناصر برنامه درسی و تعیین راه مربوط در انجام روشها. (ملکی ۱۳۷۵)

**آموزش قرآن:** فراهم آوردن موقعیت تربیتی لازم برای کسب مهارت های خواندن، فهمیدن و تدبر در قرآن کریم به منظور انس مستمر با قرآن کریم برای بهره مندی از آن در زندگی

**رویکرد:** یک موضع گیری درباره مقصد غایی برنامه درسی و طرز تلقی نسبت به یادگیرنده، فرایند یادگیری، فرایند آموزش (گام هایی که معلم در جریان آموزش باید بردارد)، محیط یاد گیری، نقش معلم (انتقال دهنده اطلاعات، تسهیل کننده یادگیری و ... ) و تلقی نسبت به ارزش یابی از آموخته های فراگیران. (معافی، محمدعلی، ص ۱۴)

**ارزش یابی:** فراگرد جمع آوری و تفسیر منظم شواهدی که در نهایت به قضاوت ارزش یابی نظر به این که اقدام شخصی بیانجامد. (شیرازی، علی، ص ۲۳۶)

**تربیت:** فراهم آوردن موقعیت برای تکوین شخصیت و شکوفایی فطرت به سوی کمال بی نهایت.

<sup>1</sup>Educational Planning

<sup>2</sup>urriculumdevelopment (C.Planning)



## کج فهمی های رایج در آموزش قرآن دوره ابتدایی

باورهای غلط و کج فهمی های رایج در زمینه آموزش قرآن دوره ابتدایی را ابتدا باید در ارکان برنامه درسی آن جست و جو کرد. برخی از این کج فهمی ها به تفکیک ارکان و عناصر یک برنامه درسی عبارتند از :

الف - باورهای غلط در حوزه « اهداف »

ب - باورهای غلط در حوزه « محتوا »

ج - باورهای غلط در حوزه « مواد آموزشی ( رسانه ها ) »

د - باورهای غلط در حوزه « راهبردهای یاددهی - یادگیری »

ه - باورهای غلط در حوزه « زمان آموزش »

و - باورهای غلط در حوزه « ارزش یابی »

ز - کج فهمی های رایج در حوزه « معلم و مربی »

\*\*\*

در این مجال اندک و در حد حوصله مقاله به پاره ای از این کج فهمی ها و باورهای غلط در حوزه آموزش قرآن دوره ابتدایی می پردازیم :

### الف - باورهای غلط در حوزه « اهداف »

#### ۱- « قرآن فوتی »

« باور » به اعتقاد قوی و درونی شخص ( یا اشخاص ) به یک چیز اطلاق می شود. به تعبیر دیگر باور به اعتقاد قلبی به بودن و یا نبودن چیزی و یا انجام پذیر بودن و یا انجام ناپذیر نبودن کاری گفته می شود که از تکرار افکار هم نوع ساخته می شوند. برای تقریب به ذهن و روشن تر شدن مفهوم کج فهمی بهتر است به یک باور غلط قدیمی اشاره کنیم؛ البته امروزی ها شاید اطلاعات چندانی درباره آن نداشته باشند و احتمالاً از شنیدن آن تعجب می کنند و شاید هم بخندند. تا چند دهه قبل در برخی از نقاط کشور رسم بود افرادی که قاری قرآن بودند پس از قرائت هر سوره کوچک یا یک رکوع از یک سوره، نفس عمیق می کشیدند و سپس داخل مشک خالی فوت می کردند و درس را فوری می بستند و باز سوره ای دیگری ... تا این که مشک پر از هوا می شد. آنگاه به قبرستان می رفتند و قرآن فوتی را به صاحبان مرده می فروختند. به این ترتیب که سر مشک را روی سنگ قبر قرار می دادند و به اندازه مبلغی که دریافت می کردند، از نفس گرم خود که داخل مشک حبس شده بود، نثار مرده می کردند. به این قضیه « قرآن فوتی » می گفتند.

این قضیه در عین خنده دار بودن، عبرت آموز است که در اثر کج فهمی، به یک باور غلط تبدیل شده است. و اینک این سؤال به ذهن خطور می کند که : « آیا آیندگان هم درباره برخی از باورهای ما چنین قضاوتی خواهند داشت !!! »

**اولین کج فهمی : کم توجهی به « هدایتگری قرآن »** به عنوان غرض اصلی نزول قرآن کریم در هدف نویسی ها و برنامه ریزی های درسی و آموزشی

\*\*\*



## ۲- « نخ تسبیح »

نادیده گرفتن هدف « هدایت » به عنوان نخ تسبیح همه برنامه‌ها و فعالیت‌های قرآنی، خطای استراتژیک در حوزه آموزش و فعالیت های قرآنی کشور است؛ البته عده ای خواهند گفت : این هدف، از پیامدهای آموزش و فعالیت‌های قرآنی است. ضمن تأیید کلی این مطلب، سؤالی مطرح می شود و آن این است که آیا این کار - یعنی واگذار کردن هدف « هدایت » به خود شخص و پیامد آموزش کافی است ؟ و همه مخاطبان را به آن هدف آرمانی می رساند ؟ و یا باید از همان ابتدا برای تحقق آن، برنامه ای مشخص و مدون داشته باشیم؟

با کمی توجه در آموزش ها و فعالیت های قرآنی اعم از روخوانی و روان خوانی تا تجوید و قرائت و حفظ در می یابیم که مهم ترین غرض نزول قرآن تا چه حد مغفول واقع شده است.

**دومین کج فهمی : مقدماتی چون روخوانی و روان خوانی و نیز مُحَسَّنَات و مؤخراتی چون تجوید و حفظ و قرائت را آموزش قرآن فرض کردن.**

\*\*\*

## ۳- « الاغی با بار کتاب »

قرآن کریم در مذمت قوم یهود که حقیقت دعوت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله را می دانستند، اما از پذیرش آن سرباز می زدند، به چارپایانی که کتاب بر آن ها نهاده اند، تشبیه می کند. این سزای قومی است که کتاب آسمانی خود را مقدس می شمارند، ولی به آن عمل نمی کنند ؟

مَثَلُ الَّذِينَ حَمَلُوا التَّوْرَةَ، ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا،

مثل کسانی که تورات بر آنان بار شد (و به آن مکلف گردیدند) آن گاه آن را به کار ن بستند،

كَمَثَلِ الْجِمَارِ، يَحْمِلُ أَسْفَارًا

هم چون مثل خری است که کتاب‌هایی را بر پشت می‌کشد؛

بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ،

چه زشت است وصف آن قومی که آیات خدا را به دروغ گرفتند.

وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

و خدا مردم ستمگر را راهنمایی نمی‌کند.

سوره ی جمعه ، آیه ی ۵

همواره باید از چنین داستان هایی درس گرفت و با خود حدیث نفس کرد که « ما با کتاب خدا چه می کنیم؟ این همه تلاش و شتاب برای چیست و دیگران را با خود به کجا می بریم؟! » لذا آنچه بیان می‌شود از باب « وَ ذَكَرْ، فَإِنَّ الذِّكْرَی تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ » (ذاریات / ۵۵) است.

با وجود هزینه‌های فراوانی که در حوزه آموزش و فعالیت‌های قرآنی کشور در طول سال‌های متمادی شده و می‌شود ( که البته کافی نیست )، این امر در ایران با وقفه علمی و رکود فکری نسبتاً شدیدی روبه رو بوده است. دلایل بسیاری بر این مسئله مترتب است. از جمله وجود « باورهای غلط » فرهنگی و آموزشی به ارث مانده از گذشته های نه چندان دور.



این رویه اگر در گذشته به دلایل فرهنگی آن روزگار تا حدودی نیازهای جامعه دینی را اقماع می‌کرد؛ امروز دیگر پاسخگوی نیاز و ذائقه جامعه و به ویژه کودکان و نوجوانان نیست. از این رو نگاهی دوباره به آموزش قرآن و فعالیت های قرآنی ضرورت دارد. به ویژه که در سال های اخیر شاهد تولید، تصویب و ابلاغ اسناد تحولی گوناگونی در این حوزه بوده ایم و دیگر نمی توانیم با نگاه صرفاً سلیقه ای دست به تألیف و تولد اثر بزنیم.

## سومین کج فهمی : غفلت از اوامر و نواهی و هشدارهای قرآن کریم، حتی درباره خودش

\*\*\*

### ۴- از « قرائت هدر » بر حذر باش !

عده ای فکر می کنند که قرائت قرآن در هر صورت آن ثواب و رحمت است. چه بفهمیم و چه نفهمیم، چه عمل کنیم و چه عمل نکنیم. همین که قرآن را خوب و زیبا بخوانیم و بقیه لذت ببرند چه ثوابها که نکرده ایم و چه خدماتها که در حق قرآن کریم انجام نداده ایم؛ به خصوص اگر از حفظ هم باشد که دیگر نورعلی نور...

این که تمامی همایش ها، سمینارها با قرائت قرآن کریم شروع می شود و حافظان قرآن در جلسه کرسی قرائت قرآن کریم همه را میخکوب انواع و اشکال خواندن قرآن خود می کنند، چه پیشرفت بزرگی در جامعه اسلامی و انقلابی ما است برایم زیبا و جذاب بود و همیشه خدا را بر این نعمت شاکر بودم و راضی از وضعیت موجود و ممنون از تلاش های جامعه قرآنی کشور...  
اما کافی است برای یک بار هم که کشده دعای آغاز قرائت قرآن کریم که در ابتدای اغلب قرآن ها از قول امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده، بخوانیم. در این دعای نورانی با این عبارات برخورد می کنیم :

« ... وَ لَا تَجْعَلْ قِرَائَتِي قِرَاءَةً لَا تَدْبُرُ فِيهَا ... وَ لَا تَجْعَلْ نَظْرِي فِيهِ غِفْلَةً وَ لَا قِرَائَتِي هَذَرًا ... »

( اصول کافی، ج ۴، ص ۳۰۰ )

در این عبارت نورانی تأکید بر خواندن همراه با تفکر و تدبر است. در واقع مفهوم « حق تلاوته » در آیه ۱۲۱ سوره بقره نیز همین مطلب است : « الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ، يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ » در کتاب شریف بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۴۴ از امام صادق علیه السلام درباره « حق تلاوت آیات » چنین نقل می شود :

فَانظُرْ كَيْفَ تَقْرَأُ كِتَابَ رَبِّكَ وَ مَنْشُورَ وَ لَا يَتِكَ ، وَ كَيْفَ تُجِيبُ أَوْامِرَهُ وَ نَوَاهِيَهُ وَ

بنگر چگونه نامه پروردگارت و منشور ولایت را می خوانی؛ و چگونه امرها و نهی های او را پاسخ می دهی

وَ كَيْفَ تَمْتَثِلُ حُدُودَهُ ، فَإِنَّهُ كِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ

و چگونه از حدود الهی فرمانبرداری می کنی، که این قرآن کتابی است استوار که نه از پیش رو و نه از پشت سر، از هیچ طرف، باطلی سراغ آن نمی آید،

تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ، فَرْتَلُهُ تَرْتِيلاً ، وَ قِفْ عِنْدَ وَعْدِهِ وَ وَعِيدِهِ

نازل شده ای از سوی خدای حکیم و ستوده است. پس آن را به نیکی تلاوت کن، هنگام (برخورد با) وعده و وعیدش درنگ کن

وَ تَفَكَّرْ فِي أَمْثَالِهِ وَ مَوَاعِظِهِ ، وَ احْذَرِ أَنْ تَقَعَ مِنْ إِقَامَتِكَ حُرُوفَهُ فِي إِضَاعَةِ حُدُودِهِ

و در مثلها و موعظه هایش بیندیش، و پرهیز از این که با مراعات حروف، به تباه ساختن حدود آن بیفتی!

## چهارمین کج فهمی : تصور ارزشمندی بالای تمسک به قرآن بدون توجه به تدبر و عمل به آن





## ۵- مأموریت نامعلوم

از کج فهمی ها و باورهای غلط آن است که اگر اعتبارات لازم مهیا باشد و یک «طرح ملی قرآنی» می توان همه دانش آموزان کشور را حافظ قرآن کرد؛ مانند کشور لیبی که به لقب کشور حافظان قرآن معروف است. در نتیجه هر ساله طرح های متعدد ملی، استانی و منطقه ای جدید به موازات کتاب های درسی، تولید می شود ( و البته به همین اندازه، دهها طرح ملی قبلی تعطیل می شود). غافل از این که اصل باید بر سیاست تمرکز زدایی باشد؛ زیرا طرح های ملی بودجه های کلان را می بلعد و در عوض رقبای ضعیف را از بین می برند و چیزی جز کشتن استعدادها و انگیزه ها و ایجاد انتظارات بی پاسخ به ارمغان ندارند.

در واقع این هم از باورهای غلط است که همیشه خواسته ایم یک شبه به همه اهداف آرمانی برسیم. در حالی که برای پژوهش و برنامه ریزی و مشاوره هزینه نمی کنیم، زیر ساختها را آماده نمی کنیم، فرهنگ جامعه را در پذیرش و مشارکت در آن در نظر نمی گیریم، نتیجه آنکه پس از گذشت چندین دهه در بسیاری از موارد هنوز در آغاز راه هستیم و نتایج جالب و قابل لمس دیده نمی شود. در کشور فرصت های عظیمی است که بدون توجه و استفاده رها شده است، در حالی که با مطالعه دقیق و کمی حمایت و توجه می توان جهشی عظیم و ماندگار در فعالیت های قرآنی کشور ایجاد کرد.

## پنجمین کج فهمی : نامعلوم بودن مأموریت ذاتی و اساسی هریک از ارگان ها و متولیان در زمینه آموزش قرآن

\*\*\*

## ۶- جامعیت اهداف آموزش قرآن

آیات متعددی در قرآن وجود دارد که به انتظار قرآن از مسلمانان درباره قرآن کریم اشاره دارد. این انتظارات و مطالبات باید مورد نظر برنامه ریزان و معلمان قرآن باشد؛ مانند تلاوت و قرائت، تفکر و تدبر، عمل، آموزش، رعایت آداب تلاوت، حفظ، تأثیرپذیری و... در مورد این مطالبات که در قالب اهداف آموزش عمومی قرآن کشور هم به تصویب رسیده و ارائه شده ؛ اولاً باید از نگاه تک بعدی پرهیز کرد و ثانیاً باید مبانی و مبادی این اهداف مشخص شود.

## ششمین کج فهمی : بی توجهی به اغلب انتظارات قرآن درباره خودش در مراحل و مراتب برنامه ریزی درسی و آموزشی

\*\*\*

## ۷- ثواب؛ محرک است، نه پاسخ

طبق نظریه «محرک و پاسخ» که برخی دانشمندان حوزه روان شناسی یادگیری، از آن به عنوان شرطی سازی در حوزه آموزش یاد می کنند. ( مانند اسکینر و پاولف ) اگر بخواهیم علاقه و انگیزه فرد را نسبت به یادگیری تقویت کنیم؛ لازم است، از محرک استفاده شود. پس جایزه به عنوان تقویت و محرک و نتیجه عمل به عنوان پاسخ است. این نظریه که کاربردهای فراوانی در آموزش و یادگیری دارد، در واقع اولین بار در ادیان الهی مانند؛ اسلام مطرح شده است. « ثواب » همان محرک است و عمل صالح، همان پاسخ؛ اما متأسفانه به دلیل استحاله فرهنگی در جوامع اسلامی به این قاعده برعکس عمل می شود و به یک باور غلط تبدیل شده است.



برای روشن شدن موضوع مثالی میزنم. شما برای این که فرزندان نماز (پاسخ) بخواند به او جایزه (محرک) می دهید تا تشویق شود، این خیلی عالی است؛ اما اگر این کار را آن قدر تکرار کنید تا این که جایزه به هدف تبدیل شود، آنگاه فرزند شما شرطی می شود یعنی او نماز می خواند تا جایزه بگیرد و این یعنی نوعی انحراف و خطر برای بروز انحطاط در عرصه تربیت دینی جامعه، یکی دیگر از باورهای غلط جامعه دینی ما نگاه کمی به جای نگاه کیفی به مسائل اعتقادی است، یعنی برای کسب ثواب بیش تر و این یعنی محدود کردن دین به عنوان یک امر اخروی؛ از شما خواننده محترم می پرسیم آیا کیفیت خواندن و بهره مندی شما از قرآن نسبت به مثلاً ۱۰ سال قبل بهتر شده و یا ثابت است؟ اگر جامعه ما نسبت به سال های قبل پیشرفت محسوس و قابل قبولی را نشان می دهد معلوم است که در سیر کمال طی طریق می کنیم و الا خیر، تقلیل ارزش های دینی مانند انس با قرآن کریم و ائمه معصومین (ع)، نماز و روزه و ... در حد ثواب نمی تواند نقش مؤثری در اصلاح الگوی زیستی ما داشته باشد. در مقابل این باور غلط، نگاه حکیمانه مقام معظم رهبری در طرح الگوی سبک زندگی اسلامی مطرح می شود؛ یقیناً تحقق چنین امری در بازگشت دوباره به قرآن کریم و معارف اهل بیت (ع) است.

### هفتمین کج فهمی: استحاله فرهنگی در اثر جابجایی محرک و پاسخ در امر ثواب قرائت و حفظ قرآن

\*\*\*

#### ۸- اصلاح در رویکردهای آموزشی

امام خمینی فرمودند: « تربیت، باید قرآنی باشد و بچه های ما باید تربیت قرآنی بشوند. » با عنایت به این گونه تعبیر، که در اسناد تحولی به کرات مورد تأکید قرار گرفته، رویکردهای آموزشی کنونی باید اصلاح شود؛ « رویکرد » چتر حاکم بر برنامه های درسی و آموزشی اعم از اهداف، محتوا، روش آموزش، ارزش یابی و ... است. یکی از باورهای غلط در حوزه آموزش قرآن، اتخاذ رویکرد آموزش روحوانی و روان خوانی کل قرآن در (مثلاً) ۲۰ جلسه است، این رویکرد که در تمامی آموزش های قرآن کشور مطرح می شود، از نظر منطبق برنامه و هدف نویسی « نه ضرورت » دارد و « نه امکان » اما به دلیل موروثی بودنش همیشه مطرح است. و نیز از آن جا که خواندن و فهمیدن دو روی یک سکه هستند ( و این از باورهای غلط است که این دو را از هم جدا می دانیم. ) مهم ترین کاری که در زمینه آموزش قرآن باید صورت پذیرد این است که در برنامه ریزی ها در کنار توجه به جنبه آموزش مهارتهای خواندن مانند؛ قرائت و حفظ، موضوع « تربیت » به عنوان محور برنامه ریزی و هدف نویسی مورد توجه قرار گیرد.

### هشتمین کج فهمی: کم توجهی به امر « تربیت قرآنی » و در مقابل توجه بیش از اندازه به « آموزش قرآن »

\*\*\*

#### ۹- خانواده؛ مسئول اصلی آموزش قرآن

آموزش و پرورش به عنوان یار و معین خانواده در تحقق تعلیم و تربیت اسلامی دانش آموزان مسئولیت دارد. پس فعالیت های قرآنی نباید تنها بر دوش معلمان و آموزش و پرورش سنگینی کند؛ بلکه خانواده ها باید وظیفه اصلی را در این خصوص انجام دهند. بی تردید یکی از مهم ترین آسیب ها از سوی والدین است که نسبت به مشارکت عملی در این زمینه به بازی گرفته نمی شوند؛ باید این باور غلط اصلاح شود که با بودن نظام اسلامی، خانواده ها تکلیف تربیت اخلاقی و اسلامی را متوجه مدرسه و جامعه کنند. از این رو در وهله اول نهاد خانواده باید هم پای معلم در فعالیت ها مشارکت کند و در وهله دوم این امر نیازمند آموزش و فرهنگ سازی است. سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی و دفتر تألیف در زمینه آموزش خانواده و در جلب مشارکت ایشان باید قدم های مهمی را بر می داشت از آن جمله نوشتن کتاب های راهنمای برنامه درسی است. ولی تا کنون در این زمینه چیزی ملاحظه نشده است.



## نهمین کج فهمی : تصور این که مسئولیت اصلی تربیت دانش آموزان بر عهده مدرسه و معلمان است. ( و نه خانواده ها و والدین ایشان )

\*\*\*

### ب - باورهای غلط در حوزه « محتوا »

درس قرآن از جمله دروسی است که کمترین ارتباط دو سویه و تعاملی را با دانش آموزان دارد. این رویه تاریخی به دلیل عدم توجه به نیازها و ذائقه دانش آموزان بوده و در نتیجه اغلب اوقات، دانش آموزان نمی دانند چرا این آیات را می خوانند.

#### ۱۰- « جدایی مهارت های قرآنی از معارف قرآنی »

بر اساس آیه دوم سوره جمعه، مبنای تفکر ما باید در حوزه آموزش و فعالیت های قرآنی، خود قرآن باشد؛ یعنی از قرآن بر آمده باشد؛ این آیه به خوبی سیر تعالی پرداختن به قرآن کریم را ترسیم می کند :

« هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ، يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ  
وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ، ... »

با عنایت به این آیه شریف آیا تلاوت قرآن نباید اثر بخش و معنادار باشد ( تزکیه ) ؟ آیا حکمت - که به تعبیر امیرالمؤمنین(ع): « گمشده مؤمن » و میوه درخت تعلیم و تربیت است - نباید مورد توجه جدی در رویکرد برنامه ها و فعالیت های قرآنی کشور قرار گیرد؟

## دهمین کج فهمی : جدا دانستن مهارت های قرآنی و معارف قرآنی از یکدیگر

\*\*\*

### ۱۱- توهم « تفسیر به رأی »

بهتر است یکی از مهم ترین چالش های حوزه آموزش قرآن و فعالیت های قرآنی کشور را از زبان بنیان گذار نظام جمهوری اسلامی بخوانیم. امام خمینی(ره) در کتاب « آداب الصَّلاه » چنین می نویسد :

« یکی دیگر از حجب که مانع از استفاده از این صحیفه نورانیه است اعتقاد به آن است که جز آنکه مفسرین نوشته یا فهمیده اند کسی را حق استفاده از قرآن شریف نیست و تفکر و تدبر در آیات شریفه را به تفسیر به رأی که ممنوع است، اشتباه نموده اند و به واسطه این رأی فاسد و عقیده باطل، قرآن شریف را از جمیع فنون استفاده عاری کرده و آن را به کلی مهجور کرده اند. در صورتی که استفادات اخلاقی و ایمانی و عرفانی به هیچوجه مربوط به تفسیر نیست تا تفسیر به رأی باشد.

مثلاً اگر کسی از قول خدای تعالی « الحمد لله رب العالمین » که حصر جمیع محامد و اختصاص تمامی آن است به حقتعالی؛ استفاده توحید افعالی کند و بگوید از این آیه شریفه استفاده شود که هر کمال و جمال و هر عزت و جلالی که در عالم است، از حق

تعالی است و هیچ موجودی را از خود چیزی نیست. این چه مربوط به تفسیر است؟! تا اسمش تفسیر به رأی باشد یا نباشد. ... »

امام راحل در باب مهجوریت قرآن در بلاد اسلامی در همین کتاب در رد تفکر اخباری گری چند سده گذشته خاطرنشان می کنند: « آیا اگر غالب عمر خود را صرف در تجوید و جهات لغویه و بیانیه و بدیعیه آن کردیم، این کتاب شریف را از مهجوریت بیرون آوردیم؟ آیا اگر قرائات مختلفه و امثال آن را فرا گرفتیم، از ننگ هجران از قرآن خلاصی پیدا کردیم؟ آیا اگر وجوه اعجاز قرآن و فنون محسنات آن را تعلم کردیم، از شکایت رسول خدا(ص) مستخلص شدیم؟ هییهات! که هیچ یک از این امور مورد نظر قرآن و منزل عظیم الشان آن نیست. »



امروز که در آستانه ۴۰ سالگی پیروزی شکوهمند جمهوری اسلامی ایران هستیم، این سؤال مطرح می شود: چرا هنوز هم تفکر اخباری - به جای تفکر ناب شیعی - بر آموزش و فعالیت‌های قرآنی این کشور حاکم است؟ در پاسخ باید گفت این نیروی قدرتمند فرهنگ حاکم بر جامعه است که تعیین کننده اغلب طرح و برنامه هاست.

### یازدهمین کج فهمی : جلوگیری از ورود به معارف قرآنی به دلیل ترس از « تفسیر به رأی »

\*\*\*

#### ج - باورهای غلط در حوزه « راهبردهای یاددهی - یادگیری »

##### ۱۲- آموزش های کلیشه ای

آموزش؛ اگر پیشبرنده نباشد، واژگون کننده است. برگزاری مکرر آموزش قواعد روخوانی قرآن در مقاطع مختلف باعث کلیشه شدن آن شده است. کلیشه یعنی تکرار ملال آور. حرکت در مسیر تکراری، حس پیشرفت را از دانش آموز می گیرد و این نوع یادگیری، محکوم به غرق شدن است؛ مگر آنکه بین آن ها پل زده شود. به عنوان مثال؛ بچه ها دسته کم یک بار روخوانی و روان خوانی را در مدرسه یاد گرفته اند، پس نباید در سال های بعد مطالب مجدداً برای آن ها تدریس شود. و حتی به غیر از وزارت آموزش و پرورش که متولی اصلی آموزش روخوانی ( تا سوم ابتدایی ) و روان خوانی ( تا ششم ابتدایی ) به تمامی دانش آموزان کشور است، نباید هیچ ارگان و مؤسسه قرآنی دیگری به این موضوع به صورت رسمی بپردازد. پس هر دستگاهی باید به مأموریت ذاتی و وظیفه اصلی خود عمل کند.

### دوازدهمین کج فهمی : برگزاری آموزش های مکرر و کلیشه ای به جای شناسایی مشکل

\*\*\*

##### ۱۳- به نام روخوانی، به کام روان خوانی / به نام روخوانی، به کام آموزش قواعد روخوانی

دلیل اصلی طولانی شدن آموزش روخوانی از پیش دبستانی تا دانشگاه، غیر علمی بودن آموزش روخوانی قرآن در کشور است؛ زیرا آموزش روخوانی که یک « تجربه دیداری » است، با استفاده از « روش های شنیداری » نه تنها محقق نمی شود، بلکه فرد را دچار ناتوانی مزمن کلی خوانی می کند که گاهی تا آخر عمر همراه اوست؛ و گذشت زمان هم با بالا رفتن سن یادگیری، مهارت دیداری خواندن از فرد سلب می شود و از این رو ناتوانی روخوانی به عنوان یک چالش جدی در کشور لاینحل می ماند.

### سیزدهمین کج فهمی : آموزش « روان خوانی » به نام روخوانی (به دلیل کم توجهی به مبانی علمی و آموزشی)

### چهاردهمین کج فهمی : آموزش « قواعد روخوانی » به نام روخوانی (عدم توجهی به تفاوت روخوانی و روان خوانی)

\*\*\*



## ۱۴- پرهیز از نگاه تک ساحتی به قرآن

عدم موفقیت برخی از برنامه ها و آموزش ها در اثر پافشاری در حفظ این باورها از یک سو و وجود نگاه تک بعدی ( فارغ از فهم و تدبر و هدایت ) از سوی دیگر از دیگر باورهای غلط در آموزش قرآن است؛ با توجه به ضرورت اصلاح رویه های موجود امید است در اسرع وقت در این باره تجدید نظر لازم صورت گیرد، چرا که اگر قرآن کریم را صرفاً یک کتاب مقدس بدانیم و صرفاً برای کسب ثواب آن را بخوانیم، در واقع قرآن را از جایگاه اصلی آن یعنی هدایت، به کسب ثواب تقلیل داده ایم؛ و این ظلم به قرآن کریم است.

### پانزدهمین کج فهمی: توجه یک سویه به قرآن به جای توجه به جامعیت آموزش

\*\*\*

## ۱۵- جایگاه رسانه در آموزش قرآن

وجود رسانه های پرشمار آموزشی، ضمن آن که می تواند موقعیت بهتری را برای یادگیری فراهم کند، به همان اندازه نیز می تواند گاهی باعث بی توجهی به اهداف اصلی برنامه درسی شود. استفاده از نوار و یا لوح فشرده قرائت قرآن به همان اندازه که می تواند به بخش دوم آموزش قرآن یعنی روان خوانی کمک کند، اگر قبل از روخوانی استفاده شود به بخش اول آموزش، اشکال اساسی وارد می کند. دانش آموزان در بخش اول باید از طریق مهارت دیداری خواندن بخش بخش و شمرده کلمات و عبارات قرآنی را بیاموزند و پس از طی مراحل آموزش روخوانی، وارد بخش دوم یعنی روان خوانی شوند.

نوار صوتی و لوح فشرده ضمن ایجاد انگیزه در گروهی از دانش آموزان با استعداد، امکان تثبیت و تعمیق یادگیری را فراهم می کند. اما نقش چندانی در آموزش روخوانی ندارد و بلکه باعث بروز اختلالات یادگیری مانند کلی خوانی و عدم توجه به حرکات می شود و در صورت تداوم روش، این نقیصه در اغلب افراد به صورت مزمن باقی می ماند.

### شانزدهمین کج فهمی: تقدم روش شنیداری بر روش دیداری ( تقدم روان خوانی بر روخوانی )

\*\*\*

## ۱۶- « یادگیری » جایگزین آموزش

در اعم اغلب کلاس های قرآن قاعده آموزی محور آموزش است. معلمان در هر جلسه یک یا چند قاعده قرآنی را مطرح کرده و سپس با بیان مثال های مختلف به تبیین آن می پردازند. این رویه در اثر باور غلطی است که در برخی معلمان و روش های آموزشی وجود دارد و آن تصور این است که: اگر قواعد خوب آموزش داده شوند مخاطبان در خواندن قرآن مشکلی نخواهند داشت. در حالی که این باور از منظر علمی دارای خدشه است. زیرا در یادگیری این مخاطب است که تلاش می کند و کار معلم فراهم آوردن موقعیت مناسب برای یادگیری است. بررسی ها نشان می دهد دانش آموزان به میزان کافی در کلاس درس به خواندن قرآن نمی پردازند و معمولاً در کلاس منفعل و صرفاً شنونده هستند. اصلی ترین معلم در کلاس باید وادار کردن همه دانش آموز به خواندن قرآن باشد تا حفظ قواعد و مطالب

### هفدهمین کج فهمی: تأکید بر آموزش و تعمیم قواعد به جای پرداختن به تمرین و مهارت آموزی

\*\*\*

## ۱۷- پرهیز از نگاه تربیتی غرب به فعالیت های قرآنی

با توجه به هجوم فرهنگی و رسانه‌ای غرب و تعبیر مقام معظم رهبری مبنی بر این که «ما در حال گذر از یک پیچ تاریخی هستیم»، ما نیاز داریم این پیچ تاریخی را با بصیرت و به سلامت طی کنیم، اما متأسفانه در چند دهه اخیر در آموزش و فعالیت های قرآنی کشور، به صورت خواسته یا ناخواسته دچار یک عقب‌ماندگی تاریخی شده ایم؛ علت این عقب‌ماندگی را نیز میتوان در تقلید از سیستم‌های نادرست آموزشی و تربیتی غرب دانست که در اثر بی‌توجهی به موضوعاتی چون «فطرت»، «حکمت»، «معرفت» و ارزش های والای الهی - انسانی که همه منبعث از قرآن کریم است، دانست.

در واقع ما به جای آن که با مطالعه دقیق دستاوردهای علمی، از آن استفاده سنجیده ای داشته باشیم و به تعبیر صحیح‌تر آن را بومی کنیم، اغلب مغلوب فرهنگ غرب شده و چشم و گوش بسته آن را پذیرفته‌ایم؛ چه بسا ما در فعالیت های قرآنی هم از چنین دیدگاه‌هایی بهره می‌جوییم. حاصل چنین رویه‌ای، بروز تضادهای تربیتی در جامعه، به خصوص در میان قشر جوان و تحصیل کرده است.

طبق فرمایش پیامبر اعظم (ص) که می‌فرمایند، «فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمُ الْفِتْنُ كَقِطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ ، فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ» ( هنگامی که فتنه‌های زمانه شما را در بر گرفت، بر شما باد که مانند پاره های شب تار به قرآن کریم مراجعه و از آن کمک بگیرید.) باید از قرآن استعانت بجوییم؛ اما «به راستی آیا امروز آموزش ها و فعالیت های قرآنی کشور، توان چنین کمکی را به دین خدا دارد؟!»

### هجدهمین کج فهمی: ترویج آموزش قرآن با رویکرد تربیت غربی

\*\*\*

## ۱۸- نگاه فرهنگی به آموزش و فعالیت های قرآنی

همواره ناتوانی مردم در خواندن قرآن کریم را صرفاً به آموزش و روش های یاددهی - یادگیری آن نسبت می‌دهیم، غافل از این که اغلب مردم ما در دوران مدرسه با روخوانی قرآن آشنا شده و دوره دیده اند. پس لزومی به تکرار آموزش ندارند. در حقیقت هزینه حتی یک ریال برای آموزش روخوانی قرآن هم، اسراف بیت المال محسوب می‌شود؛ زیرا مشکل اصلاً در این جا نیست، بلکه این مشکل یک مشکل فرهنگی است، یعنی نخواندن قرآن، یعنی عدم انس با قرآن کریم؛ و این مشکل با آموزش حل نمی‌شود؛ این مشکل ریشه در کم توجهی معلمان و متولیان قرآنی به موضوع فرهنگی انس دائمی با قرآن کریم دارد. در این زمینه چقدر کار کرده‌ایم؟ شاید تنها برنامه مؤثر در این زمینه « طرح تلاوت نور مساجد » باشد و نیز تلاوت روزانه قرآن کریم در ماه مبارک رمضان ( که البته با توجه به مسائلی که گفته شد به دلیل تک ساحتی بودن هریک از آنها، توفیق آنها نیز در سایر زمان ها چندان مشهود نیست. )

### نوزدهمین کج فهمی: توجه بیش از حد به امر « آموزش » به جای نگاه فرهنگی و تربیتی

\*\*\*

## د - باورهای غلط در حوزه « رسانه و مواد آموزشی »

### ۱۹- « قرآن، کتابی برای همه فصول »

بخش مهمی از کارکرد قرآن کریم در جامعه امروز، نسبت به صدر اسلام و زمان اهل بیت (ع) تغییر کرده است؛ شواهد نشان می دهد که از همان ابتدای آموزش خواندن، به جای پرداختن به آموزش عمومی قرآن یعنی استفاده از قرآن کریم به عنوان کتاب زندگی، سوگیری ما به سمت پرداختن به شناسایی و تشویق قاری و حافظ قرآن کریم؛ یعنی قهرمان پروری است. قرائت و حفظی که باید به عنوان هدف آلی (ابزاری) باشد، به هدف غایی و آرمانی تبدیل شده است؛ و این هم از باورهای غلط است. نظریه « هوش های یادگیری » (هوارد گاردنر) ثابت می کند که هدف قهرمان پروری در حد خود می تواند موفق باشد؛ اما قابلیت تعمیم پذیری ندارد و به عبارت دیگر قهرمانان همیشه در فکر شکست دیگران هستند. تجربه جمهوری اسلامی نشان می دهد نگاه تک ساحتی به فعالیت های قرآنی، مدال های رنگارنگ قهرمانی جهانی را برای متسابقین قرآنی به ارمغان داشته است؛ اما آیا در کنار این رویش ها هرگز به ریزش ها و علل آن توجه کرده ایم؟

### بیستین کج فهمی: جابجایی اهداف غایی و ابزاری در برنامه ریزی درسی و آموزشی

\*\*\*

### ۲۰- « عمل بی علم »

باید عقلای تعلیم و تربیت دینی و علمای یادگیری و کارشناسان قرآنی در مجامع علمی مشترک بنشینند و آیات و فرازهای شریف قرآن کریم را « بر اساس نیاز هر گروه سنی » دسته بندی کنند و فرازهایی را که برای مخاطبان خاص، « معنادار » است. ( یعنی مبتنی بر نیازهای امروزی هر گروه سنی است) احصاء و اولویت بندی کنند و آن گاه برای آموزش این فرازها، آیات و سور، ظرفیت مورد نظر را هم از حیث طراحی محتوا و هم روش آموزش، تولید و تدوین کنند. در حال حاضر بر خلاف چنین رویه ای عمل می شود؛ و طبیعی است که نتیجه ایده آلی عاید نخواهد شد.

### بیست و یکمین کج فهمی: اتخاذ رویه « عمل بدون پشتوانه فکر و کارشناسی »

\*\*\*

### ۲۱- اصلاح در رویکردهای آموزشی

امام خمینی فرمودند: « تربیت، باید قرآنی باشد و بچه های ما باید تربیت قرآنی بشوند. » با عنایت به این گونه تعابیر، که در اسناد تحولی به کرات مورد تأکید قرار گرفته، رویکردهای آموزشی کنونی باید اصلاح شود؛ « رویکرد » چتر حاکم بر برنامه های درسی و آموزشی اعم از اهداف، محتوا، روش آموزش، ارزش یابی و ... است. یکی از باورهای غلط در حوزه آموزش قرآن، اتخاذ رویکرد آموزش روخوانی و روان خوانی کل قرآن در (مثلاً) ۲۰ جلسه است، این رویکرد که در تمامی آموزش های قرآن کشور مطرح می شود، از نظر منطق برنامه و هدف نویسی « نه ضرورت » دارد و « نه امکان » اما به دلیل موروثی بودنش همیشه مطرح است. و نیز از آن جا که خواندن و فهمیدن دو روی یک سکه هستند ( و این از باورهای غلط است که این دو را از هم جدا می دانیم. ) مهم ترین کاری که در زمینه آموزش قرآن باید صورت پذیرد این است که در برنامه ریزی ها در کنار توجه به جنبه آموزش مهارتهای خواندن مانند؛ قرائت و حفظ، موضوع « تربیت » به عنوان محور برنامه ریزی و هدف نویسی مورد توجه قرار گیرد.



## بیست و دومین کج فهمی : کم توجهی به « تربیت قرآنی» و در مقابل پرداختن بیش از حد به « آموزش قرآن»

\*\*\*

### هـ - باورهای غلط در حوزه « زمان آموزش»

#### ۲۲- درس قرآن و سایر دروس

روند آموزش دروس در برنامه های درسی و آموزشی به گونه ای است که دروسی مانند ریاضی و علوم تجربی جزء دروس پایه و اساسی تلقی شده و سایر دروس در زمره دروس درجه دو و سه محسوب می شوند. از این منظر در تخصیص ساعات درسی و نیز در اولویت آموزش دروس پایه بیش ترین زمان را به خود اختصاص می دهند و سایر دروس به عنوان ساعات کمی آن دروس در برنامه جانمایی می شوند تا در وقت ضرورت از آن ها استفاده شود. در بسیاری از مدارس برخوردار و خصوصی به جای تدریس سه زنگ در هفته یک ساعت به قرآن و بقیه به دروس اصلی اختصاص می یابند. در حوزه نظارت اداری و نیز پیگیری اولیا نیز این دروس، کمتر مورد نظر هستند. این وضعیت نشان از کم توجهی به تربیت و یادگیری دروس مهارتی و توجه بیش از حد به دروس حفظی است.

## بیست و سومین کج فهمی : درس قرآن، شهروند درجه دو و سه بین دروس

\*\*\*

### و - باورهای غلط در حوزه « معلم و مربی»

#### ۲۳- آموزش با پیوست پژوهش

هر عملی باید مبتنی بر پژوهش و کاربردی نتایج آن باشد. اما این اصل مسلم عموماً در آموزش ها و فعالیت های قرآنی به درستی مورد توجه قرار نمی گیرد. همین مسئله است که موجب تحمیل هزینه های سنگین و در عوض نتایج ضعیف می شود. این مشکل در اثر وضعیت فرهنگی حاکم بر جامعه که بر حفظ داشته های غلط گذشته تاکید دارد، خواسته یا ناخواسته زمینه بروز مقاومت فرهنگی را به وجود می آورد. از این رو «استحاله» خطری است در کمین طرح و برنامه های فرهنگی و قرآنی و نیز اسناد تحولی کشور. راه برون رفت از این وضعیت توجه به همه ابعاد برنامه آموزشی است : توجه به برنامه ریزی، اجرا و ارزیابی سه مؤلفه اصلی برنامه ریزی است که جز با مراقب و حمایت به نتیجه نمی رسد.

## بیست و چهارمین کج فهمی : کم توجهی به جایگاه شایسته برای بهره مندی از پژوهش ها از سوی دو حوزه صف و ستاد ( تا مدرسه و کلاس درس )

\*\*\*





## ۲۴- شایستگی محوری معلمان و دانش آموزان

معلمان قرآن در امر تدریس قرآن، به کسب شایستگی های لازم اعم از « صلاحیت های اولیه و صلاحیت های حرفه ای » نیاز دارند که علاوه بر دانش مفهومی، دانش روشی آن ها را هم تأمین کند.

استفاده از فناوریهای روز نیازمند دقت کافی است تا در کنار استفاده صحیح، آسیب های آن را به حداقل برسانند؛ زیرا سیستمها اگر قابلیت تطابق بایادگیرنده را نداشته باشند، مخرب فرایند آموزش معلم و نیز یادگیری دانش آموز خواهند بود.

نادیده گرفتن این شایستگی ها از سوی معلم در رابطه با دانش آموزان ( به دلیل عدم آگاهی و تسط بر این تشخیص ) باعث شده تا تفاوت های فردی و استعدادهای دانش آموزان مد نظر قرار نگیرد و همه مثل هم در نظر گرفته شوند.

### بیست و پنجمین کج فهمی : کم توجهی به « شایستگی محوری معلمان » در تدریس قرآن

\*\*\*

## ۲۵- آموزگاران دوره ابتدایی بهترین معلمان روخوانی قرآن

آموزگاران ابتدایی بهترین معلمین قرآن دوره ابتدایی هستند. به شرطی که با توجه به دلایل زیر مورد توجه و آموزش لازم قرار گیرند :

۱- آموزگاران در دوره های تربیت معلم با روش آموزش قرآن آشنا شده و متعهد هستند که در کنار سایر دروس مانند فارسی، ریاضی، علوم و ... ، قرآن را نیز تدریس کنند.

۲- آموزگاران، حرفه ای ترین معلمان آموزش خواندن فارسی هستند. و از آنجا که جنس آموزش قرآن از سنخ آموزش خواندن فارسی است ایشان شایسته تر برای آموزش این درس هستند.

۳- به دلیل تک معلمی در دوره ابتدایی، آموزگار در آموزش قرآن فرصت های نابی را در اختیار دارد تا از طریق ارتباط صمیمانه تر و نیز شناخت بهتر دانش آموزان ایشان را در رفع اشکالات خواندن و هم چنین ایجاد انس یا قرآن کریم یاری رسانند.

۴- عدم تدریس قرآن توسط آموزگار و سپردن این درس به سایر معلمان به بهانه درس تخصصی زمینه های انحراف آموزش و پرورش از تربیت قرآنی به سوی تفکر سکولار را فراهم می کند. جلوه این تفکر در دوره متوسطه کاملاً قابل مشاهده و تأیید است.

۵- در تقلیل ساعات کار معلمین با سابقه ۲۰ سال به بالا، آموزگاران بر خلاف مصوبه ۶۷۷ شورای عالی آموزش و پرورش به راحتی تدریس قرآن را به دیگری واگذار می کنند.

با این وجود با توجه به عملکرد غلط حوزه ستادی و بویژه معاونت پرورشی در توجه به این مطلب، اغلب آموزگاران جایگاه خود در آموزش قرآن را باور ندارند و نسبت به تدریس قرآن از خود علاقه ای نشان نمی دهند.

### بیست و ششمین کج فهمی : نگاه تخصصی به تدریس قرآن دوره ابتدایی توسط معلم خاص (و نه آموزگار

پایه)

\*\*\*



## ۲۶- « برنامه محوری » به جای محتوا محوری

کتاب محوری و توجه بیش از اندازه به کتاب درسی باعث شده تا این تلقی به وجود آید که آموزگاران وظیفه دارند کتاب درسی را آموزش دهند. در حالی که این تلقی در اثر وجود یک شکاف و گپ آموزشی بین کتاب درسی و معلم است. سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی ( معاونت پژوهشی وزارت آموزش و پرورش ) باید تمهیداتی بیاندیشد که معلمان با سرفصل های برنامه درسی در یک دوره و پایه تحصیلی آشنا شوند. در چنین نگاهی، تنها کتاب درسی محتوای آموزشی نیست بلکه یکی از منابع آموزشی است و معلمان می توانند به سایر منابع مفید هم مراجعه کنند. در شرایط فعلی کتاب های درسی بزرگ ترین عامل بی انگیزگی و عدم خلاقیت معلمان به شمار می روند.

### بیست و هفتمین کج فهمی : محوریت کتاب درسی ( به جای برنامه محوری، معلم محوری و تربیت محوری)

\*\*\*

#### ز - باورهای غلط در حوزه « ارزش یابی »

### ۲۷- ارزش یابی مقوم اهداف برنامه درسی قرآن

اغلب معلمان چنین تصور می کنند که درس قرآن نمره ندارد و همه باید نمره خوب بگیرند و الا از درس قرآن زده می شوند. این باور و کج فهمی تا آن جا ادامه دارد که با آن که چندین سال از اجرای سراسری ارزش یابی کیفی - توصیفی می گذرد اما تقریباً اغلب معلمان در کارنامه به هیچ دانش آموزی « نیازمند به تلاش » نمی دهند و همه قابل قبول هستند؛ اگر چه یک کلمه را هم نتوانند بخوانند.

این تفکر ساده اندیشانه چنان در مدارس رسوخ کرده که بهانه ای شده برای بسیاری از معلمان تا به تدریس این درس به دلیل نداشتن ارزیابی نپردازند. به ویژه تعداد زیادی از معلمان که خود در صحیح خوانی قرآن کریم مشکل دارند. در حالی که اولاً چنین پندایی کاملاً غیر علمی بوده و در هیچ کجای برنامه های درسی و مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش نیامده است. و ثانیاً با قبول چنین منطقی، چرایی برنامه درسی از بین می رود. زیرا در صورت نادیده گرفتن شیوه ارزش یابی دیگر اهداف و جاهت علمی و عملی نخواهد داشت. و عملاً پوچ خواهد بود.

### بیست و هشتمین کج فهمی : درج « نیازمند به تلاش » در ارزش یابی پایانی درس قرآن ممنوع

\*\*\*

#### ح - باورهای غلط در حوزه « فعالیت های فوق برنامه قرآنی »

### ۲۸- یک بام و دو هوا

شاید بتوان وجود اختلاف در حوزه های مختلف در فعالیت های قرآنی را به نحوی توجیهی کرد؛ اما در یک وزارتی که طبق اسناد تحولی و مستندات آن، اهداف کلان و کلی و جزئی مشخص شده و وظیفه هر بخش مشخص است نمی توان قبول کرد این همه اشکال و اختلاف وجود دارد.

مأموریت آموزش جای خود را به نخبه گرایی داده

تربیت قرآنی جای خود را پرورش قهرمان داده



مسابقاتی که باید ابزاری برای تقویت انگیزه عموم دانش آموزان باشد، برای خود استقلال داشته و هیچ کمکی به اهداف اصلی نمی کند.

مسابقاتی که محتوای آن از توانایی اعم اغلب دانش آموزان خارج است و جزء اهداف برنامه های درسی و آموزشی مصوب نیست، روز به روز علاقه و انگیزه دانش آموزان را کاهش می دهد و فاصله آنان را با برنامه های درسی بیش تر می کند. یک معاونت قرآن کم علامت توزیع می کند و دیگری اقدام به جمع آوری آن از مدارس ابتدایی می کند. یک معاونت به دنبال هدف روخوانی و روان خوانی است و دیگری حفظ قرآن را جایگزین آن می کند. معاونتی که باید مجری باشد تولید محتوا می کند و با قدرتی که در دست دارد آن را ترویج می دهد و با عوض شدن وزیر به یک باره متوقف و ناکارآمد معرفی می شود. و معاونتی که تولید محتوای علمی و شایسته کرده به دلیل توانایی قدرت انتشار آن را از حوزه معاونت خود حتی به سایر معاونت ها را هم ندارد.

**بسیست ونهمین کج فهمی : وزارت آموزش و پرورش در همه زمینه های قرآنی - از روخوانی گرفته تا مسابقات بین المللی - باید سرمایه گذاری انسانی و مادی داشته باشد. ( و اگر چه این ها با هم ارتباط نداشته باشند و حتی اختلاف نظر داشته باشند )**

#### ۲۹- مدیریت تعاملی به جای اعمال مدیریت

وزیری یک شبه ده هزار مدرسه قرآن در کلیه مدارس ابتدایی راه اندازی می کند و وزیری دیگر یک شبه همه آن ها را ناکارآمد دانسته تعطیل می کند.

وزیری یک شبه تمامی دارالقرآن های مناطق را تعطیل می کند و وزیر بعدی همه را مجدداً راه اندازی می کند. شورای معاونین وزارت بر خلاف مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش که فقط به آموزگار ابتدایی مجوز تدریس قرآن در دوره ابتدایی داده را نادیده گرفته و به دلیل کمبود نیرو مدیران و معاونان مدارس را تا شش ساعت در هفته به تدریس در کلاس وادار می کند. و این موضوع تنها کلاس درس قرآن را با مشکلات بیش تر درگیر می کند.

وزیری مدیران مدارس را وادار می کند تا همه دانش آموزان خود را به نام حافظ قرآن در سامانه ثبت نام کنند؛ در حالی که ایشان نه تنها حافظ نیستند بلکه روح پاکشان هم از این اوضاع خبر ندارد. و بعد یک شبه آمار چندین میلیون نفری می دهند و کار به جایی می رسد که موضوع از اساس مسکوت گذاشته شده و به دست فراموشی سپرده می شود.

همه و همه اینها در حالی اتفاق می افتد که در خوشبینانه ترین حالت می توان گفت همه از روی اخلاص و دلسوزی است. اما آیا این دلسوزی کافی است ؟

**بسیست ونهمین کج فهمی : تقدم تعهد بر تخصص مجوزی برای اعمال مدیریت های غیر کارشناسی وزرا و معاونان**



## جمع بندی و نتیجه گیری

### الف - جمع بندی

با توجه به آن چه که به اجمال بیان شد کج فهمی ها و باورهای غلط در حوزه آموزش قرآن کریم را می توان در این چند مقوله ارائه کرد :

### الف - کج فهمی های رایج در حوزه « اهداف »

- ۱- کم توجهی به « هدایتگری قرآن » به عنوان غرض اصلی نزول قرآن کریم در هدفگذاری ها و برنامه ریزی های درسی و آموزشی
- ۲- مقدماتی چون روخوانی و روان خوانی و نیز مُحسنانات و مؤخراتی چون تجوید و حفظ و قرائت را آموزش قرآن فرض کردن.
- ۳- غفلت از اوامر و نواهی و هشدارهای قرآن کریم، حتی درباره خودش
- ۴- تصور ارزشمندی بالای تمسک به قرآن بدون توجه به تدبیر و عمل به آن
- ۵- نامعلوم بودن مأموریت ذاتی و اساسی هریک از ارگان ها و متولیان در زمینه آموزش قرآن
- ۶- بی توجهی به اغلب انتظارات قرآن درباره خودش در مراحل و مراتب برنامه ریزی درسی و آموزشی
- ۷- استحاله فرهنگی در اثر جابجایی محرک و پاسخ در امر ثواب قرائت و حفظ قرآن
- ۸- کم توجهی به امر « تربیت قرآنی » و در مقابل توجه بیش از اندازه به « آموزش قرآن »
- ۹- تصور این که مسئولیت اصلی تربیت دانش آموزان بر عهده مدرسه و معلمان است. ( و نه خانواده ها و والدین ایشان )

### ب - کج فهمی های رایج در حوزه « محتوا »

- ۱۰- جدا دانستن مهارت های قرآنی و معارف قرآنی از یکدیگر
- ۱۱- جلوگیری از ورود به معارف قرآنی به دلیل ترس از « تفسیر به رأی »

### ج - کج فهمی های رایج در حوزه « راهبردهای یاددهی - یادگیری »

- ۱۲- برگزاری آموزش های مکرر و کلیشه ای به جای شناسایی مشکل
- ۱۳- آموزش « روان خوانی » به نام روخوانی ( به دلیل کم توجهی به مبانی علمی و آموزشی )
- ۱۴- آموزش « قواعد روخوانی » به نام روخوانی (عدم توجهی به تفاوت روخوانی و روان خوانی)
- ۱۵- توجه یک سویه به قرآن به جای توجه به جامعیت آموزش
- ۱۶- تقدم روش شنیداری بر روش دیداری ( تقدم روان خوانی بر روخوانی )
- ۱۷- تأکید بر آموزش و تعمیم قواعد به جای پرداختن به تمرین و مهارت آموزی
- ۱۸- ترویج آموزش قرآن با رویکرد تربیت غربی
- ۱۹- توجه بیش از حد به امر « آموزش » به جای نگاه فرهنگی و تربیتی

#### د - کج فهمی های رایج در حوزه « مواد آموزشی ( رسانه ها ) »

- ۲۰- جابجایی اهداف غایی و ابزاری در برنامه ریزی درسی و آموزشی
- ۲۱- اتخاذ رویه « عمل بدون پشتوانه فکر و کارشناسی »
- ۲۲- کم توجهی به « تربیت قرآنی » و در مقابل پرداختن بیش از حد به « آموزش قرآن »

#### ه - کج فهمی های رایج در حوزه « زمان آموزش »

- ۲۳- درس قرآن، شهروند درجه دو و سه در بین سایر دروس

#### و - کج فهمی های رایج در حوزه « معلم و مربی »

- ۲۴- کم توجهی به جایگاه شایسته برای بهره مندی از پژوهش ها از سوی دو حوزه صف و ستاد ( تا مدرسه و کلاس درس )
- ۲۵- کم توجهی به « شایستگی محوری معلمان » در تدریس قرآن
- ۲۶- نگاه تخصصی به تدریس قرآن دوره ابتدایی توسط معلم خاص ( و نه آموزگار پایه )
- ۲۷- محوریت کتاب درسی ( به جای برنامه محوری، معلم محوری و تربیت محوری )

#### ز - کج فهمی های رایج در حوزه « ارزش یابی »

- ۲۸- درج « نیازمند به تلاش » در ارزش یابی پایانی درس قرآن ممنوع

#### ح - کج فهمی های رایج در حوزه « فعالیت های قرآنی فوق برنامه »

- ۲۹- وزارت آموزش و پرورش در همه زمینه های قرآنی - از روخوانی گرفته تا مسابقات بین المللی - باید سرمایه گذاری انسانی و مادی داشته باشد. ( و اگر چه این ها با هم ارتباط نداشته باشند و حتی اختلاف نظر داشته باشند )
- ۳۰- تقدم تعهد بر تخصص مجوزی برای اعمال مدیریت های غیر کارشناسی وزرا و معاونان

دوره ابتدایی به عنوان مهم ترین دوره تربیت دانش آموزان از چنان اهمیتی برخوردار است که کوتاهی درباره آن هرگز قابل جبران نیست. چرا که دانش آموزان در این دوره با تربیت دینی آشنا می شوند. این دوره به دلیل تک معلمی و نیز زمینه های روان شناسانه تربیتی دوره ای قابل توجه و ارزشمند برای سرمایه گذاری مادی و معنوی است. امام راحل ره فرمودند: «**تربیت باید تربیت قرآنی باشد.**» (صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۵۰، ۱۸ آبان ۱۳۶۰) تحقق این معنا با توجه دوباره به دوره ابتدایی و نیز شناخت آسیب ها و کاستی ها و تلاش در جهت رفع آن میسر خواهد بود. و یکی از آسیب های جدی وجود کج فهمی ها و باورهای غلط در حوزه های مختلف برنامه درسی و آموزشی در این دوره تحصیلی است.

در این مقاله سعی شد در حد حوصله و به اختصار و اجمال، به بخشی از این کج تابی ها و باورهای غلط اشاره شود. این که «چه چیزی آموزش قرآن نیست؟» از این که چه چیزی آموزش قرآن است؟ مهم تر است چرا که در این زمینه به دلیل عدم نظارت مستمر و راهنمایی معلمان و ضعف در آموزش و ارتقاء صلاحیت های عمومی و حرفه ای ایشان، مشکلات بسیار زیاد است. رهبر معظم انقلاب در بیش از ده سال پیش از وزارت آموزش و پرورش درباره مهجوریت قرآن کریم گلایه داشتند. ایشان در روز معلم سال ۱۳۸۵ در بیانی کاملاً صریح و شفاف درباره ضرورت توجه متولیان وزارت آموزش و پرورش به قرآن کریم و جایگاه آن در این نهاد تربیتی فرمودند:

«**قرآن در آموزش و پرورش حقیقتاً مهجور واقع شده است. علت این است که در دورانی طولانی، قرآن در آموزش و پرورش ما، به خصوص در آن سنین یادگیری مهجور بوده یا اصلاً وجود نداشته است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، توقع این بود که یک کار کارستانی انجام بگیرد. کارهایی هم شده است، لیکن جای حضور قرآن در دوره های گوناگون واقعاً خالی است. باید فکر بشود. امروز خوشبختانه حرکت قرآنی در کشور خیلی خوب است؛ لیکن در آموزش و پرورش باید نهادینه شود.**»

شایسته آن بود پس از این فرمایش مقام معظم رهبری، ابعاد مهجوریت قرآن کریم در این نهاد تربیتی، بررسی و راه کارهای مناسب برای تحقق منویات معظم له شنا سایی و مورد اقدام و عمل قرار می گرفت. این که وزارت آموزش و پرورش در طول یک دهه گذشته در این مسیر چه اقداماتی را عملی کرده است؟ سخنی است که مجال دیگری نیازمند است. اما طرح مباحثی این چنینی در سطح معلمان و وزارت می تواند حرکت ایجاد کند.

قطعاً سهم علل و عوامل ناشی از سوء مدیریت در این عرصه را نمی توان نادیده گرفت. چرا که آموزش و پرورش اگر مهم ترین خیمه گاه نظام نباشد، حداقل یکی از مهم ترین هاست. بدیهی است ثبات و اقتدار حکومت و تضمین استقرار کشور در حال و آینده ارتباط زیادی به جایگاه و وضعیت امروز نظام تعلیم و تربیت به ویژه در دوره تحصیلی ابتدایی و به و بالاخص در دروس قرآن، هدیه های آسمان و فارسی دارد.

با توجه به آن چه که به عنوان کج فهمی های رایج بیان شد باید گفت: جایگاه قرآن، آموزش و تدریس آن در آموزش و پرورش بیش ترین لطمه را از افت تحصیلی ناشی از بی توجهی دیده و می بیند. درسی که در طول ۱۲ سال آموزش داده می شود، ولی نقش اثر بخشی خود را چندان که باید ایفا نمی کند. در بسیاری از مدارس کم توجهی ها و نیز تخلفات گسترده اتفاق می افتد که به صورت آشکارا و پنهان، انزوای تدریجی به دنبال داشته است.

فقدان انسجام اندیشه و عمل و یک پارچگی در فعالیت های قرآنی، نبود نظارت، ارزیابی و سیاست های تشویقی معلمان و مدارس، عدم رغبت معلمان به آموزش و تدریس قرآن در اثر ناتوانی، ورود طرح و برنامه های مغایر با اسناد تحولی و مأموریت های ذاتی آموزش و پرورش، اعمال نظرات مدیران بدون در نظر گرفتن نظرات کارشناسی، همه و همه باعث ناکارآمدی سیستم آموزشی در تحقق اهداف و اسناد تحولی و نیز منویات رهبر معظم انقلاب و در نهایت مهجوریت هر چه بیش تر قرآن در وزارت آموزش و پرورش می شود.

## جایگاه آموزش و فعالیت های قرآنی در اسناد بالادستی

### « سیاست های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور »

#### ابلاغیه مقام معظم رهبری

۴- ایجاد تحول در نظام برنامه ریزی آموزشی و درسی با توجه به:

4-4 توسعه فرهنگ و معارف اسلامی و یادگیری قرآن ( روخوانی، روان خوانی و مفاهیم ) و تقویت انس دانش آموزان با قرآن و سیره پیامبر اکرم ( صلی الله علیه و آله ) و اهل بیت ( علیهم السلام ) و گسترش فرهنگ اقامه نماز.

#### « قانون برنامه پنجم توسعه »

ماده ۴- در اجرای منشور توسعه فرهنگ قرآنی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، معاونت موظف است حداکثر تا پایان سال دوم برنامه، اسناد راهبردی توسعه حوزه های آموزش عمومی، تبلیغ و ترویج، پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور را بر اساس پیشنهاد شورای توسعه فرهنگ قرآنی تهیه و برای تصویب به هیأت وزیران تقدیم کند.

ماده ۱۹ - الف - در راستای تحقق بند (۸) سیاست های کلی ابلاغی و با هدف ارتقاء کیفی سه حوزه دانش، مهارت و تربیت اسلامی به دولت اجازه داده می شود برنامه تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش کشور را در چارچوب قوانین موضوعه و با رعایت اولویت های ذیل تدوین نماید و پس از تصویب در هیأت وزیران به اجراء درآورد :

...

۹- ارائه برنامه جامع آموزش قرآن اعم از روان خوانی و فهم قرآن و برنامه تلفیقی قرآن، معارف اسلامی و عربی با اهداف قرآنی

#### « سند تحول بنیائین آموزش و پرورش »

راهکار ۱/۳ - توسعه فرهنگ اقامه نماز و اهتمام به برپایی نماز جماعت در مدرسه و تقویت انس با قرآن در دانش آموزان و توسعه فرهنگ و سواد قرآنی با اصلاح برنامه ها و توانمندسازی معلمان در راستای تقویت مهارت روخوانی و روان خوانی در دوره ابتدایی، آشنایی با مفاهیم کلیدی قرآن در دوره متوسطه اول و آموزش معارف قرآنی در متوسطه دوم براساس منشور توسعه فرهنگ قرآنی.

#### « سند برنامه درسی ملی »

#### ۲- حوزه تربیت و یادگیری قرآن و عربی

دین اسلام، راه هدایت انسان ها به سوی کمال و رستگاری است. خداوند با هدایت خود انسان را به راه و مسیر حرکت به سوی کمال راهنمایی میکند. یکی از منابع اخذ معارف اسلامی، قرآن کریم است. قرآن کریم کتاب هدایت انسان ها است.

**ضرورت و کارکرد حوزه :** تعمیق معرفت و ایمان دانش آموزان به اعتقادات، اخلاق و احکام الهی که همان معرفت و ایمان به دین اسلام است، مهم ترین رسالت تعلیم و تربیت در نظام اسلامی است.

قرآن کریم، به عنوان منبع وحی الهی و منبع اصلی اعتقادات، اخلاق و احکام است. توانایی خواندن همراه با درک معنا، تدبر در قرآن و انس با آن، سبب ورود هر فرد مسلمان به دریای معارف اسلامی است. یادگیری زبان عربی به عنوان زبان قرآن سبب می



شود که فرد بتواند به طور مستقیم با کتاب الهی ارتباط برقرار کند، آن را بفهمد و از رهنمودهای آن بهره ببرد. هم چنین آموزش این زبان سبب می شود که مترجمان بتوانند از معارف اهل بیت علیهم السلام و فرهنگ غنی اسلام استفاده کنند. از سوی دیگر زبان و ادبیات فارسی با زبان عربی درآمیخته است و آشنایی با زبان عربی در یادگیری زبان فارسی تأثیر خواهد داشت.

**قلمرو حوزه:** حوزه یادگیری قرآن و عربی شامل دو حوزه محتوایی آموزش قرآن کریم و آموزش عربی است و حد نهایی یادگیری در این دروس به شرح زیر است:

**الف- توانایی خواندن صحیح و روان قرآن کریم؛**

**ب- توانایی درک معنای عبارات ساده و پرکاربرد قرآن کریم؛**

**ج- توانایی نسبی تدبر در آیات قرآن کریم به منظور درک ساده و اولیه دقیق و ظرائف مفاهیم آیات، بدون آموزش تخصصی علوم قرآنی؛**

**د- انس مستمر و دائمی با قرآن کریم، به نحوی که دانش آموزان، اهل خواندن و تفکر در قرآن باشند و ابن امر را الزمه تربیت دینی و اعتلای هویت الهی خویش بدانند.**

آشنایی با زبان عربی و مشخصاً مهارت های چهارگانه زبانی یعنی خواندن، گوش کردن، نوشتن و سخن گفتن در این حوزه به میزانی است که دانش آموز را در درک معنای آیات قرآن کریم، کلام معصومین و متون دینی و فرهنگ اسلامی کمک کند و در تقویت زبان فارسی او مؤثر باشد.

این دو حوزه محتوایی، ارتباط وثیقی با یک دیگر دارند و برنامه ریزی آن ها باید هماهنگ و مرتبط با هم صورت گیرد و از اهداف، محتوا و روش های مشترک و نیز مطالب مکمل و تأیید کننده هم دیگر استفاده مطلوب به عمل آید.

جهت گیری های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه های تربیت و یادگیری «حکمت و معارف اسلامی» و «قرآن و عربی» سازماندهی محتوای حوزه های حکمت و معارف اسلامی و قرآن و عربی در دوره ابتدایی به صورت تلفیقی است. در دوره متوسطه اول حتی الامکان به صورت مجزا لیکن هماهنگ و در دوره متوسطه دوم، به جز در رشته علوم و معارف اسلامی، به صورت تلفیقی و درس عربی به صورت مجزا ارائه میشود. در رشته علوم و معارف اسلامی نیز درس های اختصاصی در حوزه معارف اسلامی ارائه می شود.

به دلیل ارتباط وسیع و وثیق محتوای دو حوزه «حکمت و معارف اسلامی» و «قرآن و عربی» سازماندهی محتوای هر دو حوزه در یک بخش آمده است.





## « اهداف آموزش عمومی قرآن »

**چشم انداز نظام آموزش عمومی قرآن :**

نهادینه شدن فرهنگ انس با قرآن کریم و تربیت ده میلیون حافظ قرآن در جامعه

**رسالت نظام آموزش عمومی قرآن :**

ایجاد توانایی خواندن همراه با فهم و تدبر در قرآن کریم و بهره گیری مردم از تعالیم آن در زندگی

**اهداف آموزش عمومی قرآن کریم :**

ردیف	عنوان هدف	تحلیل مفهومی
۱	تقویت ایمان و گرایش به قرآن و عترت	اعتقاد قلبی به حقانیت، جامعیت و جاودانگی قرآن مجید و جایگاه پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) به عنوان تبیین کنندگان علمی و عملی قرآن و محبت و مودت نسبت به قرآن و اهل بیت (ع)
۲	توانایی خواندن قرآن کریم	خواندن صحیح و روان قرآن کریم با تلفظ عربی حروف و حرکات در حد تمایز
۳	درک معنای آیات قرآن کریم	درک معنای ظاهری عموم عبارات و آیات قرآن کریم
۴	توانایی و التزام به تدبر در آیات	آشنایی با روش تدبر و پایبندی به اندیشه و دقت در آیات قرآن برای درک بهتر مراد و مقصود آیات
۵	حفظ قرآن کریم	به خاطر سپاری و از بر خوانی بخش هایی از آیات و سوره قرآن کریم (حداقل سه جزء)
۶	انس با قرآن کریم	اشتیاق به خواندن روزانه و استماع قرآن کریم، همراه با فهم و تدبر در آیات
۷	آشنایی با علوم و معارف قرآن	آشنایی با کلیات تاریخ و علوم قرآنی و شناخت معارف اسلامی و ضروری قرآن کریم
۸	توانایی استفاده از قرآن کریم	توانایی جستجو و دریافت معارف عمومی مورد نیاز از قرآن کریم با استفاده از منابع معتبر
۹	تبعیت از قرآن و عترت	عمل به آموزه های قرآن و اهل بیت در ابعاد مختلف زندگی و تحقق سبک زندگی قرآنی



## تدابیر اجرایی

بر اساس این مصوبه، وزارت آموزش و پرورش و سایر دستگاه های دولتی، عمومی و نهادهای مردمی مکلفند کلیه برنامه های درسی آموزش عمومی قرآن و همچنین دوره های تربیت مربی، معلم و مدرس مربوطه را براساس اهداف فوق تنظیم و اجرا کنند. همچنین وزارت آموزش و پرورش موظف است در طراحی و اجرای کلیه دروس، به ویژه عربی، دینی و فارسی، تحقق اهداف فوق را پیگیری کند.

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نیز موظف است، به منظور تأمین نیروی انسانی لازم برای تحقق اهداف فوق، با همکاری دانشگاه فرهنگیان و سایر مراکز آموزش عالی واجد صلاحیت نسبت به طراحی و اجرای دوره های آموزش عالی تربیت مربی، معلم، مدرس، کارشناس، مدیر و پژوهشگر آموزش عمومی قرآن در مقاطع کاردانی تا دکتری اقدام کند.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نباتی، رضا ( پاییز ۱۳۹۴ ). مجله رشد جوانه. تهران. سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی.
۳. شورای تألیف. راهنمای معلم آموزش قرآن اول دبستان. کد ۵۳/۱. چاپ سوم. تهران. شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران
۴. شورای تألیف. راهنمای معلم آموزش قرآن دوم دبستان. کد ۵۷/۱. چاپ سوم. تهران. شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران
۵. شورای تألیف. راهنمای معلم آموزش قرآن سوم دبستان. کد ۶۱. چاپ دوم. تهران. شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران
۶. شورای تألیف. راهنمای معلم آموزش قرآن ششم دبستان. کد ۷۴/۳. چاپ دوم. تهران. شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران
۷. شورای تألیف. مبانی آموزش و روش آموزش قرآن دوره ابتدایی. کد ۶۰۱۱. چاپ دوم. تهران. شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران
۸. طراحی و ارزش یابی اثر بخشی الگوی آموزش قرآن کریم در دوره ی ابتدایی. سید محمد رضا صفوی، ۱۳۹۳ رساله دکتری
۹. بررسی عوامل موثر بر بهبود آموزش قرآن از منظر معلمان دوره ی ابتدایی شهر تهران. پروانه معصومی. ۱۳۹۳ پایان نامه ارشد